

متن پرسش

به نام خدا با سلام و احترام خدمت استاد طاهرزاده: همانگونه که مستحضرید تمدن غرب با نگاهی سوداگرانه و ریاضی به عالم نظر می کند و همین تحلیل ریاضی و هندسی عالم است که قدرت تصرف در آن را به او بخشیده است (آوینی، کتاب رستاخیز جان: ۸۱). در جهان متجدد کنونی، ساحت تمتع و کارافزایی و اعداداندیشی غلبه کرده است (داوری اردکانی، کتاب سیر تجدد و علم جدید در ایران: ۳۱۵). دنیای مدرن ماهیتاً مبتنی بر سودجویی، کمیت انگاری و سوداگری است (زرشناس، کتاب توسعه: ۱۵). از طرفی یکی از مبانی فکری مدیریت غربی کمیت گرایی و نتیجه گرایی است. به طوری که آنچه مدیریت را امکان پذیر می سازد، آن چیزی است که امکان اندازه گیری داشته باشد؛ در واقع اساس مدیریت امروز کمی کردن کیفیت است. بر اساس نظر برخی صاحب نظران مبنای فلسفی همه غربیانی که در زمینه مدیریت بحث کرده اند - قریب ۹۶٪ نظریه های مدیریت غربی - نتیجه گرایی است. ۱- لذا خواهشمند است نظرتان را در این خصوص اعلام فرمایید. ۲- به نظر شما در مدیریت اسلامی اساس کار چگونه باید باشد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که در جواب سؤال قبلی عرض کردم نگاه اسلام به انسان در گستره‌ی عالم ماده و عالم ملکوت است و لذا تأکیدی که مدیریت سوداگرانه بر عالم ماده دارد و سود مادی را مدّ نظر قرار می‌دهد پیش نمی‌آید که نمونه‌ی آن را در گذشته در بین جوامع اسلامی ملاحظه خواهید کرد. بنده در طی سؤال و جوابی در رابطه با اقتصاد در نگاه مرحوم شهید آوینی عریضی داشتم که خدمتتان ارسال می‌دارم: سؤال ۱: تفاوت نگاه آوینی به اقتصاد و نگاه‌های عرفی نسبت به اقتصاد چیست؟ جواب: این سوال ارزشمندی است که احتیاج به چندین سال فکر دارد و به راحتی هم نمی‌توان به آن جواب داد. بنده از بعضی از سخنان شهید آوینی کمک می‌گیرم تا اشاره ای به آن عالمی بکنم که آوینی مدّ نظر دارد. او در کتاب «مبانی توسعه و تمدن غرب» می‌گوید: حتی یک اقتصاددان ممکن است این سؤال بجا را مطرح کند: هنگامی که زمین، یعنی تنها جایگاهی که برای زیست در اختیار داریم، به موادی آلوده گردد که موجب نقص بدنی در کودکان یا نوادگان ما گردد، پیشرفت اقتصادی، یا به اصطلاح سطح بالای زندگی، چه معنایی خواهد داشت؟ از قول شوماخر در واژه‌ی دیکتاتورهای اقتصاد کمک می‌گیرم که می‌گوید: برای ساختن نیروگاه‌های متعارف، خواه بر اساس استفاده از زغال سنگ و خواه استفاده از نفت، و یا نیروگاه‌های هسته‌ای، با توجه به مبانی اقتصادی

تصمیم‌گیری می‌شود؛ و شاید کمترین توجه به «پیامدهای اجتماعی» مبذول گردد. شهید آوینی متوجه است، روند کنونی توسعه‌ی اقتصادی در جهان، سیری جدا از انسان یافته است و بشریت را جبراً در مسیری ناخواسته به سوی نابودی حیات طبیعی پیش می‌راند، می‌گوید: روند کنونی توسعه‌ی اقتصادی که در ذات خویش با رشد غول‌آسای تکنولوژی متحد است. بشریت را ایجاباً در مسیری می‌راند که با اختیار و اراده‌ی آزاد انسانی منافات دارد. هر چند این سیر جبری نیست، نباید از نظر دور داشت که هیچ کس جز معدودی از خاصی اولیای خدا نمی‌توانند گردن خویش را از طوق عبودیت آن آزاد کنند. همین موجبیت است که شوماخر آن را دیکتاتوری اقتصاد نامیده است. شوماخر جامعه‌ی مصرفی کنونی را به معتادی تشبیه می‌کند که هر چقدر هم وضعیت خود را نکبت‌بار احساس کند رهایی از چنگال اعتیاد را بی‌نهایت دشوار می‌بیند. (کوچک زیباست، ص ۱۱۹) این یک واقعیت غیر قابل انکار است و شواهد و مصادیق بسیاری بر آن دلالت دارد و شهید آوینی به‌خوبی متوجه این امر شده است. شهید آوینی از قول روزه‌گارودی در کتاب «هشدار به زندگان» این نکته را آورده که: «اقتصاد آزاد «به شیوه‌ی غربی» برای رفع احتیاج بازار نیست بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است!» آوینی می‌گوید: مصرف بیشتر برای تولید بیشتر، ضرورت حتمی اقتصاد امروز است، چرا که اگر کالاهای تولید شده مصرف نشود امکان توسعه‌ی تولید، یعنی امکان توسعه‌ی اقتصادی، وجود نخواهد داشت. بنابراین، برای تولید بیشتر که ضرورت توسعه‌ی اقتصادی است باید مردم را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب کرد و بدین علت است که تبلیغات - یا بهتر بگوییم پروپاگاندا - یکی از ارکان اساسی توسعه به شیوه‌ی غربی است. روزه‌گارودی نیز همین مسئله را با بیانی دیگر مورد توجه قرار داده است: تبلیغات تجاری (به شیوه‌ی غربی) بیش از آنکه مایه‌ی تباهی طبیعت باشد موجب هلاکت انسان است: تصور اینکه مردم دنیا حتی برای لحظه‌ای به نیازهای حقیقی خویش و الگویی متناسب با حوائج واقعی انسان بازگردند، برای یک اقتصاددان وحشتناک‌ترین چیزی است که ممکن است اتفاق بیفتد. اگر حتی برای یک لحظه چنین اتفاقی در دنیا بیفتد و مردم فقط برای یک لحظه، درست به اندازه‌ی نیاز واقعی خویش مصرف کنند، ادامه‌ی روند کنونی توسعه‌ی صنعتی دچار مخاطرات و بحران‌هایی خواهد شد که تصور آن بسیار دشوار است. هیچ‌کس کوچک‌ترین تردیدی ندارد که حاکمیت ابرقدرت‌ها و ادامه‌ی سلطه‌ی آنها بر جهان از طریق کارتل‌ها و تراست‌ها و دست‌های پنهان سرمایه‌داران بین‌المللی اعمال می‌شود. سعی می‌کنند با ایجاد حوائج کاذب و غیر حقیقی برای آدم‌ها، موقعیت استکباری خویش را از خطر محفوظ دارند. برای مبارزه با این سلطه‌گری چه می‌توان کرد؟ آیا می‌توان از همان طریقی که این ابرقدرت‌ها حکومت جهانی خویش را بر کره‌ی زمین مستدام می‌دارند، با آنها مبارزه کرد؟ یا باید راه‌هایی خارج از سیستم‌های شناخته شده‌ی کنونی جستجو کرد؟ و این مهم‌ترین پرسشی است که باید به کمک اندیشه‌ی شهید آوینی به آن جواب دهد و از این جهت آوینی هنوز برای ما کشف نشده و اندیشه‌ی است برای تاریخ فردای ما. شهید آوینی می‌گوید: پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها تجربه‌ای است که حقیقت را آنچنان که هست به مردم جهان نشان داد. انقلاب اسلامی

ایران نشان داد که برای مبارزه با قدرت جهانی استکبار هرگز نمی‌توان از همان طریقی اقدام کرد که او خود بنیان آن را نهاده است. شعار «مشت و درفش» و «خون و شمشیر» به‌خوبی می‌تواند از عهده‌ی بیان حقیقت برآید و همین‌طور، قیام عاشورا اسوه‌ای است که تنها راه پیروزی بر باطل را بر ما نمایان می‌سازد. سر پیروزی ما در جبهه‌های جنگ با ابرقدرت‌ها همین است که ما هرگز متکی به سلاح نیستیم. اتکای ما به ایمان خود و امدادهای غیبی است که ایمان ما مجاری نزول آنهاست و اگر اینچنین نبود و پیروزی ما موقوف به همپایی با قافله‌ی نظام اقتصادی و صنعتی غرب می‌شد، امروز حتی یادگارهای انقلاب اسلامی را نیز از کتاب‌های رسمی تاریخ شسته بودند. اصالت اقتصاد - یعنی آن فاجعه‌ای که ما آنرا دیکتاتوری اقتصاد نام نهادیم - امروز با شتاب فراوان جهان را به سوی یک جنگ ناخواسته‌ی جهانی پیش می‌برد. اگر مسلمانان در برابر پرخاشگری و قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی کفر به مبارزه برخیزند، شیطان همه‌ی کره‌ی زمین را به تسخیر در خواهد آورد قرآن فرمود: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ». و اگر خداوند بعضی از مردم را در برابر بعضی دیگر به جنگ بر نمی‌انگیخت، فساد روی کره‌ی زمین را فرا می‌گرفت؛ (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۱). آوینی می‌گفت برای کسی که ادعای شیعه بودن دارد زندگی از دو مقطع کربلا و عاشورا عبور خواهد کرد و ما نمی‌دانیم که این مقطع در زندگی ما چه زمانی است: فرهنگ ما زیر چرخ توسعه اقتصادی له شد و چیزی از آن باقی نماند و چیزهایی ارزش شد که ارزشی نداشت. مثل مدرک و اموال و دارایی. در حالیکه در جبهه، خبری از این حرف‌ها نبود، با اینکه حتی خود آوینی فوق لیسانس معماری شهرسازی داشت. ما هنوز مسموم چیزهایی هستیم که در دو دوره‌ی توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی سیاسی به خورد ما دادند. سؤال ۲: در کل آوینی از کدام دریچه به پدیده‌های مدرن می‌نگرد؟ جواب: مرحوم شهید آوینی متوجه است پدیده‌های مدرن حاصل نگاهی است که آن نگاه بشر را از سکنا‌ی قدسی خود جدا می‌بیند و به همین جهت انسان در چنگال تکنیک بی‌عالم شده است و عالم دینی خود را از دست داده‌اند. سؤال ۳: چرا حرف‌های آوینی هنوز کهنه نشده است؟ کدام حرف‌ها کهنه می‌شوند و کدام همواره تازه می‌مانند؟ جواب: سخنانی که اشاره به عالم قدسی و معنویت دارد همچون آن عالم پای برجاست، سخنانی رفتنی است که اشاره به امور جزئی و اعتباریات و مشهورات دارد و گرفتار اکنون‌زدگی است. سؤال ۴: آینده انقلاب از نظر شما چگونه خواهد بود و شهید آوینی چه سهمی در آینده انقلاب خواهد داشت؟ جواب: آینده‌ی انقلاب، آینده‌ی فتحی است که در تاریخ معاصر شروع شده و به سوی عبور از ظلمات دوران است و نگاه شهید آوینی به این فتح تاریخی است و به همان اندازه که ما به آن نگاه نزدیک شویم در آینده‌ی قدسی تاریخ خود حاضر خواهیم بود. نوشته‌های آوینی سراسر اشاره‌ای است برای حضور در چنین آینده‌ای، به همین جهت عرض کردم آوینی برای ما کشف نشده است، او اندیشه‌ای است برای تاریخ فردای ما، آینده‌ای که جایگاه بلاغت زبان آوینی معلوم می‌شود و زبان شعرگونه‌ی او حکایت‌هایی از عالم ملکوت را ظاهر می‌کند. همین نکته نیز در آینده معنای خود را می‌یابد. سؤال ۵: با توجه به اینکه شبکه اقتصاد جهانی، یک شبکه به هم پیوسته

در جهت منافع استکبار است، انقلاب اسلامی چه نسبتی می تواند با این شبکه جهانی داشته باشد؟
جواب : بالاخره دیر یا زود نظام اسلامی نه تنها باید خود را از این شبکه آزاد کند حتی باید نظامی را پایه ریزی نماید که «ثروت» نقش اصلی را در نظام عالم نداشته باشد و تحریم های اقتصادی بحمدالله این کار را دارد جلو می اندازد تا معنای "اقتصاد صلواتی" ظهور کند. سؤال ۶ : آیا شما تفاوتی بین جهانی شدن و جهانی سازی قائل هستید؟ اگر شما عقیده دارید جهانی شدن یک مسئله فطری است در جهت تحقق حکومت مهدوی، که آمریکایی ها قصد مدیریت آن را دارند، (طبق نظر برخی ها) این حرکت فطری را چگونه تعریف می کنید؟ جواب : بشریت به خوبی متوجه شده است که نمی تواند زندگی کند مگر با یک حکومت جهانی وگرنه با کشورهای جزیره ای موجود هر کشوری مانع آینده ی کشور دیگر می شود و شاخصه ی این حکومت جهانی آن است که تنها باید با فرهنگ قدسی زمین را اداره کند، کافی است از شرایط به دست آمده غفلت نکنیم و متوجه این سخن مقام معظم رهبری «حفظه الله» باشیم که در ۱۹/۱۰/۹۱ فرمودند: «امروز هم ملت ایران آرمان هایی دارد، داعیه هایی دارد، حرف های بزرگی دارد، هم برای کشور خودش، هم برای دنیای اسلام، هم برای عالم بشریت».

سؤال ۷ : پر رنگ شدن نقش پول در زندگی بشر، چه تحولی را در بشر امروز ایجاد کرده است و به عقیده شما در دوران مهدویت و تمدن اسلامی چه چیزی بر قدرت پول سایه می افکند؟ آیا مبارزاتی از طرف پیامبر و امام علی علیه السلام در این جهت سراغ دارید؟ جواب : وقتی انسان توانست معنای خود را در عالم معنویت جستجو کند فقط در حدّ نیاز از مواهب طبیعی استفاده می کند و طبیعت خدا نیاز اولیه ی بشر را به راحتی در اختیار او قرار می دهد، در این حالت است که دیگر پول و ثروت ارزش خود را از دست می دهد. شاید جوابی که در سؤال اول مطرح شد این عرض بنده را کامل کند. سؤال ۸ : آیا می توان با نگاه فقهی به تحول اقتصادی رسید؟ جواب : حتماً در کنار نگاهی که انسان باید بر مبنای توحید به عالم و آدم داشته باشد راه کارهای فقهی به مدد او می آید. فقه راه کار است، باید نگاه را درست کرد و از فقه استفاده نمود. مثل وقتی شما می خواهید با نگاه توحیدی نماز بخوانید و راه کار فقهی به کمک شما می آید. سؤال ۹ : اقتصاد غربی، چگونه بشر را از ساحت حضور خارج کرده و در توهم برده است؟ جواب : با اصالت دادن به دنیا و این که ذهن انسان را مرکز هست ها و نیست ها قرار داده. سؤال ۱۰ : جنبش وال استریت و ۹۹ درصدی را در دل تاریخ، چگونه تحلیل می کنید؟ جواب : بشر امروز به نوعی دیگر از زندگی نظر دارد که نه مارکسیسم توانست به آن جواب دهد و نه لیبرال دموکراسی. جنبش وال استریت ظهور این نگاه جدید است و امکان توقف آن برای نظام سلطه فراهم نیست چون چیزی است بیرون نظام سلطه. سؤال ۱۱ : به نظر شما، آیا نگاه شیعه، در دل تاریخ معاصر، نسبت به ماهیت اقتصاد غربی رشد داشته است؟ جواب : هنوز به صورت چشم گیر نه. سؤال ۱۲ : عمیق ترین ظلمت در کجای اقتصاد غرب است؟ جواب : در اصالت دادن به دنیا و به حاشیه بردن زندگی معنوی و یا به تعبیر شهید آوینی در جدایی توسعه ی اقتصادی از انسان. سؤال ۱۳ : نسبت اقتصاد و سبک زندگی چیست؟ جواب : این مسئله ی مهمی است که بنده به طور مفصل در یک

مصاحبه‌ای طولانی به آن پرداخته‌ام که بعداً به صورت جزوه‌ای تحت عنوان «سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی» در آمد و در سایت لب‌المیزان موجود است.